

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ادامه مطلب پنجم: اقوال در مسأله

بیان شد که مطلب اصلی در ما نحن فيه، همین مطلب می باشد و از آنجا که مأمور به یا واجب است و یا مستحب، شایسته آن است که در دو مقام بحث شود. بحث در مقام اول یعنی مقدمه واجب بود که بیان شد در مورد وجود یا عدم وجود ملازمه بین امر به مقدمه و امر به ذی المقدمه، اقوال مختلفی مطرح شده است. قول اول، دوم و سوم به همراه ادله آنها و نقد و بررسی آن ادله گذشت. بحث در بیان قول چهارم یعنی تفصیل مرحوم صاحب فصول بود که بیان شد چون مخالفین و موافقین جدی در میان معاصرین دارد، لذا باید با دقت بیشتری مورد بحث و بررسی قرار گیرد و برای روشن شدن تمام زوایای سخن ایشان، بحث در چند مرحله تعقیب شود.

مرحله اول یعنی مراد مرحوم صاحب فصول از مقدمات موصله بیان گردید. سخن در مرحله دوم یعنی مناقشات معاصرین بود. بحث در مناقشه دوم یعنی ایراد محقق نائینی «رحمة الله علیه» بود که بیان شد ایشان می فرمایند: «اختصاص دادن وجوب غیری به مقدمه موصله، مستلزم دو امر محال یعنی دور و تسلسل می باشد». محذور اول یعنی دور به دو تقریر بیان گردیده و مورد نقد قرار گرفت. در ادامه به بیان محذور دوم یعنی تسلسل و پاسخ از آن خواهیم پرداخت.

محذور دوم: لزوم تسلسل

ایشان در فوائد الاصول^۱ و بعضی تقریرات دیگر^۲ در مقام بیان محذور تسلسل می فرمایند: «اگر گفته شود واجب غیری، خصوص مقدمه ای است که موصله بوده و ذی المقدمه بر آن مترتب گردیده، متعلق وجوب غیری، حقیقت مرکبه ای خواهد بود به نام عمل خارجی واقع شده در سلسله علل وجودی ذی المقدمه و این حقیقت، مرکب از دو چیز است: یکی عمل خارجی و ذات مقدمه و دیگری ایصال به ذی المقدمه. مثلاً زمانی که گفته می شود «وضوئ موصل الی الصلاة» متعلق وجوب غیری است، در حقیقت متعلق آن، مرکب از مقید یعنی وضوئ خارجی که از آن به ذات المقدمه یاد می شود و قید آن یعنی ایصال به صلاة، می باشد.

از طرفی در حقائق مرکبه، هر جزء، مقدمه ای است برای وجود خود آن حقیقت مرکبه، لذا در ما نحن فيه ذات مقدمه و عمل خارجی مثل وضو، مقدمه تحقق مقدمه موصله می باشد.

حال با توجه به مطالب فوق، این سؤال مطرح می گردد که ذات مقدمه و عمل خارجی مثل وضو که به اعتبار جزئیت برای مقدمه موصله، وجوب غیری پیدا کرده، آیا به نظر مرحوم صاحب فصول، فقط در خصوص موصله بودن و ترتب مقدمه موصله بر آن، متعلق وجوب

۱- ایشان در فوائد الاصول، جلد ۱، صفحه ۲۹۰ می فرمایند: «هذا مضافا إلى انه يلزمه القول بمقدمية الذات أيضا، فان المقدمة حينئذ تكون مركبة من امرين: أحدهما الذات، و الآخر قيدية التوصل، و لو على وجه دخول التقييد و خروج القيد، فتكون الذات مقدمة لحصول المقدمة المركبة، كما هو الشأن في جميع اجزاء المركب، حيث يكون وجود كل جزء مقدمة لوجود المركب. مثلا لو كان الوضوء الموصل إلى الصلاة مقدمة أو السير الموصل إلى الحج مقدمة، فذات الوضوء و السير يكون مقدمة للوضوء و السير الموصل، و ان اعتبر قيد الإيصال فيه أيضا يلزم التسلسل. و لا محيص بالأخرة من ان ينتهي إلى ما يكون الذات مقدمة فإذا كان الأمر كذلك، فلتكن الذات من أول الأمر مقدمة لذيها من دون اعتبار قيد التوصل».

۲- اجود التقريرات، جلد ۱، صفحه ۲۳۸

غیری قرار گرفته است یا خود آن عمل و ذات مقدمه، به صورت مطلق و قطع نظر از انصاف آن به موصله بودن، متعلق وجوب غیری قرار می گیرد؟

در صورت اول، نقل کلام می شود به ذات آن عملی که فرضاً مقید به قید ایصال به مقدمه موصله، وجوب پیدا کرده است و گفته می شود این نیز حقیقتی مرکب از دو چیز می باشد: یکی عمل خارجی و دیگری ایصال به مقدمه موصله و مطابق با فرض، متعلق وجوب غیری در این مرحله نیز عمل خارجی به وصف ایصال به مقدمه موصله، می باشد و سپس نقل کلام می شود به ذات این عمل که فرضاً مقید به قید ایصال به مقدمه موصله، وجوب غیری پیدا کرده است و هکذا يتسلسل الى غير النهاية.

و اما در صورت دوم یعنی اینکه برای رهایی از محذور تسلسل گفته شود: خود آن عمل و ذات مقدمه، به صورت مطلق و قطع نظر از انصاف آن به موصله بودن، متعلق وجوب غیری قرار گرفته است، خلف فرض لازم می آید، چون فرضاً در نزد مثل مرحوم صاحب فصول، فقط مقدمه با قید موصله بودن می تواند واجب به وجوب غیری باشد، در حالی که در این فرض، مقدمه تحقق مقدمه موصله، بدون اینکه موصله بودن آن لحاظ شود، متعلق وجوب غیری قرار می گیرد. لذا قطعاً صاحب فصول، صورت اول را می پذیرد که نتیجه آن تسلسل می باشد».

پاسخ از محذور تسلسل

از این محذور به چند صورت پاسخ داده شده است:

محقق خویی «رحمة الله عليه» می فرمایند: «بر اساس اظهارات مرحوم صاحب فصول در باره حقیقت مقدمه موصله، ایصال به ذی المقدمه و ترتب آن بر مقدمه، قید برای مقدمه واجب دانسته نشده تا اینکه حقیقت مقدمه موصله، امری مرکب از ذات عمل و ایصال به ذی المقدمه باشد و محذور تسلسل لازم آید، بلکه مرحوم صاحب فصول می فرمایند: مقدمه واجب چیزی جز ذات عمل خارجی مثل وضو نسبت به صلاة نیست، نهایتاً اگر این مقدمه در طریق ایجاد واجب نفسی و ذی المقدمه قرار گرفت، کشف می شود که این مقدمه همان مقدمه مطلوب به طلب لزومی غیری بوده و لذا متصف به وصف موصله بودن می گردد.

به تعبیر دیگر، وصف موصله بودن، از مقدمه بعد از تحقق و ترتب ذی المقدمه بر آن و تعلق وجوب غیری به آن، انتزاع می شود، نه اینکه موصله بودن آن، داخل در مقدمیت آن عمل خارجی مثل وضو برای ذی المقدمه بوده و در نتیجه متعلق واجب غیری، امری مرکب قرار بگیرد».

شهید^۲ صدر «رحمة الله عليه» می فرمایند: «بر فرض که پذیرفته شود حقیقت مقدمه موصله عبارت است از ذات عمل به اضافه قید ایصال به ذی المقدمه، نهایتاً مقدمه واجب، مقدمه ای مرکب خواهد بود که دو جزء داخلی دارد: یکی ذات عمل و دیگری ایصال به ذی المقدمه و از

۱- ایشان در محاضرات فی اصول الفقه، جلد ۲، صفحه ۴۱۴ می فرمایند: «و أما التسلسل فیرد علیه ان ذات المقید و ان کانت مقومة له الا ان نسبتة إلیه لیست نسبة المقدمة إلی ذیها لننقل الکلام إلیه و نقول أنها واجبة مطلقاً أو مقيدة بالإیصال، و حیث ان الأول خلاف الفرض فالثاني یستلزم الذهاب إلی ما لا نهاية له، بل نسبتة إلیه نسبة الجزء إلی المركب ...».

۲- شروع درس شماره ۴۲، مورخ ۹۳/۱۰/۱۶

۳- ایشان در بحوث فی علم الاصول، جلد ۲، صفحه ۲۴۴، پس از بیان تقریب محذور تسلسل می فرمایند: «و یکفی فی جواب هذا التقرب ان ذات المقدمة تكون جزءاً و مقدمة داخلية للمقدمة الموصلة، و الوجوب الغیری علی القول به یتشرح علی المقدمة الخارجية. لأن نکنته التوقف فی الوجود، و هذا مفقود بالنسبة إلی الاجزاء».

آنجا که اجزاء داخلیه یک واجب - همانطور که در گذشته تفصیلاً بیان شد^۱ - خارج از بحث ملازمه بوده و فاقد ملاک تعلق امر غیری می باشند، لذا ذات مقدمه به تنهایی وجوب غیری پیدا نمی نماید تا آنکه بحث شود آیا به صورت مطلق متعلق وجوب غیری قرار می گیرد و یا مقید به قید ایصال و در نتیجه موضوع تسلسل پیش بیاید.

همچنین ایشان در ادامه می فرمایند: «بر فرض که اجزاء داخلیه در محلّ نزاع داخل بوده و واجد ملاک تعلق وجوب غیری باشند و تسلسل لازم آید، گفته می شود تسلسل تنها در علل و معلولات خارجیّه، استحاله دارد، چون بازگشت به تناقض می نماید، ولی در امور اعتباریه ای مثل وجوب که رفع و وضع آنها به ید معتبر می باشد و علیّت و معلولیّت وجودی در آنها تصوّر نمی شود، استحاله ندارد، چون به محض انقطاع اعتبار معتبر، این سلسله قطع می شود».

امام خمینی «رحمة الله علیه» که اجزاء داخلیه را در محلّ نزاع مقدمه واجب، داخل دانسته و همچنین نظر مرحوم صاحب فصول را در ما نحن فیه تایید می نمایند، در جهت رهایی از محذور تسلسل می فرمایند^۲: «مراد از مقدمه موصله ای که تنها در فرض ترتّب ذی المقدمه بر آن وجوب غیری دارد، مقدمه ای است که موصل به ذی المقدمه و واجب نفسی باشد، نه مقدمه موصله ای که موصل به مقدمه دیگری باشد، لذا منافاتی ندارد که در باره مقدمه واجب نفسی، قائل به وجوب آن در خصوص صورت ایصال شویم و در مقدمه یک مقدمه دیگر که وجوب غیری دارد، قائل به وجوب آن مقدمه، به صورت مطلق و بدون ائصاف آن به قید ایصال شویم و با این فرض، تسلسل لازم نخواهد آمد».

بیان استاد معظم

در میان این چهار پاسخ، بهترین پاسخ همان پاسخ اوّل است، زیرا مطابق با مبنای خود صاحب فصول و موافق با تفسیر ایشان از مقدمه موصله می باشد؛ و پاسخ دوّم و سوّم به دلیل مبنایی بودن آنها در ردیف بعد قرار می گیرند، ولی پاسخ چهارم صحیح نیست؛ چون تفصیل میان مقدمه واجب نفسی و مقدمه واجب غیری به لحاظ وجود ملاک تعلق وجوب غیری یعنی مقدّمیت و احتیاج شیء به شیء، تفصیلی نادرست و غیر موجه است.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین»

۱- درس شماره ۲۷، و ۲۸، مورّخ ۹۳/۸/۲۷ و ۹۳/۹/۱

۲- ایشان در ادامه پس از بیان محذور تسلسل به تقریبی دیگر، در مقام پاسخ از آن بر آمده و در پاسخ سوّم می فرمایند: «و ثالثاً أساساً مثل هذا التسلسل ليس محالاً لأنه ينقطع بانقطاع الاعتبار و اللحاظ، لأنه ليس تسلسلاً وجودياً، و انما هو من التسلسل في الاعتبار و ملاحظة حيثية الإيصال إلى المقدمة و هو ينقطع بانقطاع الاعتبار و الملاحظة، فلا محذور في ان تكون هناك أشواق نفسية غيرية متسلسلة و ممتدة كلما امتدت الملاحظة و الاعتبار في عالم نفس الأمر». ۳- ایشان در تهذیب الاصول، جلد ۱، صفحه ۳۷۲، پس از بیان دو تقریر برای محذور تسلسل، در مقام پاسخ از تقریر اوّل می فرمایند: «و الجواب عن التقرير الأول: أن الواجب بالأمر الغيري على هذا المسلك هو المقدمة الموصلة إلى الواجب النفسي لا المقدمة الموصلة إلى المقدمة، و عليه فالذات لم تكن واجبة بقيد الإيصال إلى المقيد، بل واجبة بقيد الإيصال إلى ذیها، و هو حاصل بلا قيد زائد، بل لا يمكن تقييد الموصّل بالإيصال».